

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

مقایسه تحلیلی آثار طنز رهی معیری و فریدون توللی

استاد راهنما:

دکتر تقی اجیه

استاد مشاور:

دکتر غلامحسین شریفی

پژوهشگر:

فیروزه دشتی

دی ماه ۱۳۹۰

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات،
ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق
موضوع این پایان نامه متعلق به دانشگاه
اصفهان است.



دانشگاه اصفهان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ی زبان و ادبیات فارسی
خانم فیروزه دشتی

تحت عنوان

بررسی تحلیلی آثار رهی معیری و فریدون توللی

در تاریخ ۱۳۹۰/۱۰/۲۶ توسط هیأت داوران زیر بررسی و بدرجه عالی به تصویب نهایی رسید.

- ۱- استاد راهنمای پایان نامه دکتر تقی اجیه با مرتبه ی علمی استادیار
امضا
- ۲- استاد مشاور پایان نامه دکتر غلامحسین شریفی با مرتبه ی علمی استادیار
امضا
- ۳- استاد داور داخل گروه دکتر محسن محمدی فشارکی با مرتبه ی علمی استادیار
امضا
- ۴- استاد داور خارج از گروه دکتر مرتضی رشیدی با مرتبه ی علمی استادیار
امضا
- امضای مدیر گروه
دکتر حسین آقاچینی

چکیده

طنز و طنزگویی از انواع ادبی محسوب می‌شود که در دوره‌های مختلف و با شیوه‌های گوناگون کم و زیاد کاربرد داشته و تقریباً هیچ دوره‌ای در تاریخ ادبیات را نمی‌توان یافت که در آن به دلایل و انگیزه‌ها و اهداف مختلف اثری از آثار طنزآمیز وجود نداشته باشد. شاعران و نویسندگان از هر قشر و در هر درجه از بزرگی و معروفیت قرار داشته باشند و در هر موضوعی که به فعالیت بپردازند، قسمتی از آثار خود را به این نوع ادبی اختصاص داده‌اند. از میان این ادیبان در این تحقیق دو شاعر معاصر که به طور مستقل و با اهدافی تقریباً یکسان به طنزپردازی پرداخته‌اند انتخاب شده است: فریدون توللی و محمد حسن رهی معیری.

نظر به اینکه هر قدر اظهار صریح حقایق در جامعه‌ای دشوارتر باشد ضرورت مزاح و هزل و بخصوص لطیفه‌گویی بیشتر می‌شود، این دو شاعر اغلب عاشقانه سُرّا و غزل گو در برهه‌ای از دوران حیات خود با مسائل سیاسی و اجتماعی مهمی روبرو می‌شوند که آنها را ناگزیر به طنزپردازی و انتقاد در قالب آن می‌کند. در واقع می‌توان این دو شاعر را شاعران دوره بحران نامید. جوامع انسانی آنقدر گرفتار استبداد و بی‌بست روحی بوده‌اند که طنز همیشه جنبه سیاسی و اجتماعی پیدا کرده است و طنز توللی و رهی نیز از این جمله است. حال با توجه به اینکه این دو شاعر در یک زمان می‌زیسته و با پرداختن به طنزهای سیاسی و اجتماعی در بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶ اهداف مشترکی را دنبال می‌کرده‌اند در این نوشتار سعی شده است مقایسه‌هایی بین طنزآمیزی این دو صورت گرفته و شیوه‌ها و انگیزه‌های هریک در انتقاد از موضوعات مختلف جامعه آن زمان مورد بررسی قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: طنز، رهی معیری، فریدون توللی، انتقاد اجتماعی و سیاسی، هجو

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات
۱-۱	مقدمه:.....
۱-۲	تبیین مسئله و اهمیت آن:.....
۱-۳	اهداف و پرسش‌ها:.....
۱-۴	پیشینه تحقیق:.....
۱-۵	روش تحقیق:.....

فصل دوم: طنز

۲-۱	تعریف طنز:.....
۲-۲	تفاوت طنز، هزل و هجو:.....
۲-۳	علل وانگیزه های طنز و هجو:.....
۲-۴	شیوه ها و شوگردهای طنزپردازی:.....
۲-۴-۱	تحقیر:.....
۲-۴-۲	ستایش اغراق آمیز و بزرگ کردن:.....
۲-۴-۳	تهکم، نفرین و دشنام:.....
۲-۴-۴	نقیضه:.....
۲-۴-۵	قلب اشیاء والفاظ (بازی با کلمات):.....
۲-۴-۶	طعنه و کنایه طنزآمیز:.....
۲-۴-۷	ساختار زبانی:.....

فصل سوم: رهی و توللی

۳-۱	زندگی و مرگ توللی:.....
۳-۱-۱	معرفی آثار:.....
۳-۲	زندگی رهی معیر:.....
۳-۲-۱	خصوصیات اخلاقی رهی معیری:.....

صفحه	عنوان
۹۱.....	نتیجه گیری:
۹۲.....	پی نوشت:
۹۷.....	منابع و مأخذ:

فهرست شکل‌ها

صفحه	عنوان
۶۹.....	شکل ۴-۱ نمودار طنز در شعر توللی:
۶۹.....	شکل ۴-۲ نمودار طنز در شعر رهی معیری:

فصل اول

کلیات

۱-۱ مقدمه

طنزپردازی و انتقاد کردن در قالب طنز از موثرترین روش‌های بیان هنری است که به دلیل جاذبه خاص خود با اکثر روان‌ها و سلاطین سازگار می‌افتد و مخاطبان زیادی را به خود اختصاص می‌دهد. اگر وجه اجتماعی طنز را در نظر بگیریم شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه بر نحوه بیان آن تاثیر فراوانی دارد و در این بین شرایط سیاسی بحرانی سال‌های دهه ۲۰، زمینه‌ساز رشد نوعی خاص از طنز در ادبیات معاصر شد که به عقیده برخی می‌توان آن را "طنز دوره بحران" نامید: طنزی صریح و گزنده در بیان رخداد‌های سیاسی. در این تحقیق آثار دو طنزنویس نامدار معاصر کشور، فریدون توللی و رهی معیری، شاعران دوران بحرانی دهه ۲۰ مورد بررسی قرار گرفته و با مقایسه کوتاه روند فعالیت‌های حرفه‌ای این دو در عرصه طنز به جایگاه هر کدام در طنز معاصر اشاره‌ای شده است.

۱-۲ تبیین مسئله و اهمیت آن:

باتوجه به اهمیت مقوله طنز در فرهنگ‌سازی و توان تأثیر فراوان آن در جهت دهی به رفتارهای همگانی ارتقای سطح اخلاقیات و پاکسازی جامعه از رذائل، انجام پژوهش‌هایی در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد. این پژوهش بر آن است تا از میان شاعران طنزپرداز معاصر به بررسی و تحلیل آثار طنز محمد حسن رهی معیری و فریدون توللی و مقایسه آن از ابعاد گوناگون پردازد. همچنین درمورد اینکه آنها در طنز خود چه مقوله‌ها و

موضوعاتی را بیشتر مورد تأکید قرار داده اند به تحلیل و بررسی دست می‌زند در این تحقیق بررسی، طبقه بندی و مقایسه آثار طنز فریدون توللی و رهی معیری و تبیین اهمیت و نقش آن در ادبیات معاصر و مسائل اجتماعی نیز صورت می‌گیرد.

۱-۳ اهداف و پرسش‌ها:

در این تحقیق همچنین سعی شد اهدافی از قبیل:

- ۱) تبیین اهمیت مقوله طنز و بررسی تأثیر آن بر اصلاح رویکردها و رفتارهای اجتماعی.
- ۲) تبیین توانایی های رهی معیری و فریدون توللی در زمینه طنز.
- ۳) بررسی رویکرد طنز از دیدگاه دو شاعر یاد شده و مقایسه آن.
- ۴) تبیین جایگاه آثار طنز این دو در اصلاح ناهنجاریه‌ای فردی و اجتماعی دوران خود دنبال شده و به فرضیه‌ها و پرسش‌هایی نظیر:

۱) بیشترین مضامین مورد تأکید این دو شاعر کدام است؟

۲) آیا رویکردهای این دو شاعر در گرایش به هر یک از شاخه های اجتماعی و اخلاقی در موضوع طنز یکسان است؟

پاسخ داده شود و همچنین به فرضیه‌های زیر نیز پرداخته شد:

۳) توللی و رهی معیری در زمینه طنزپردازی نیز چون سرودن اشعار جدی دارای قریحه ای توانا هستند.

۴) این دو در آثار طنز خویش به مشکلات اجتماعی و مباحث سیاسی روز توجه کرده اند.

۱-۴ پیشینه تحقیق:

درباره رهی معیری و فریدون توللی تحقیقات چندی به چاپ رسیده و بعضی تحلیل‌ها در مورد زبان شعری آنها صورت گرفته اما در رابطه با موضوعی که این تحقیق در نظر گرفته است به خصوص از دیدگاه تطبیقی، هیچ اثر قابل توجهی که بتواند به عنوان پیشینه تحقیق مطرح شود، به دست نیامد.

از جمله این آثار می‌توان به "منتخبی از سروده های رهی" به کوشش غلامرضا رضاییان و "طنزهای رهی" به اهتمام رحیم چاوش اکبری در مورد رهی و "نقش فریدون توللی در ادبیات سیاسی و اجتماعی دوران

دیکتاتور" نوشته محمدرضا تبریزی شیرازی ، "این بانگ دلاویز: زندگی و شعر فریدون توللی" اثر علی باباجاهی و "امید در کام نومیدی" از مهدی پرهام اشاره کرد. همچنین درزمینه طنز معاصر به آثار زیادی مانند "دگرخند؛ درآمدی بر طنز و هجو در تاریخ و تاریخ معاصر" از علی موسوی گرمارودی، "برداشت آخر: نگاهی به طنز امروز ایران" نوشته روّیا صدر و "تاریخ طنز در ادبیات فارسی" از حسن جوادی برمی خوریم.

۱-۵ روش تحقیق:

روش تحقیق به صورت اسنادی و کتابخانه ای صورت گرفت و مراحل تحقیق به صورت زیر طی گردید:

۱) مطالعه و یادداشت برداری از مطالب سودمند منابع مربوطه.

۲) دسته بندی و تحریر یادداشت ها.

۳) بررسی و مقایسه آثار طنز هر کدام از دو شاعر درزمینه های مختلف.

۴) تبیین و تشریح نتایج مطالعاتی از دیدگاه های متفاوت و همچنین برداشت هایی از منظر نگارنده.

فصل دوم

طنز

در تعریف طنز و مشتقات آن تعریف‌ها و توضیحات مختلف و فراوانی ارائه شده است که هرکدام دارای ویژگی‌ها، نواقص و امتیازاتی است. در این بخش به دلیل اهمیت خاصی که طنز در زمینه موضوع مورد بحث دارد، تعدادی از این نظرات از منابع گوناگون آورده شده تا تصویر کلی و منسجم‌تری نسبت به این مقوله به دست داده شود.

۱-۲ تعریف طنز

« طنز واژه‌ای است عربی و در لغت معادل افسوس، سخریه، استهزا، دست انداختن، طعنه زدن، سرزنش کردن، ناز و کرشمه و... است و در عرف ادب به روش ویژه‌ای در نویسندگی (اعم از نظم و نثر) اطلاق می‌شود که در آن نویسنده با بزرگنمایی و نمایان تر جلوه دادن جهات زشت و منفی و معایب و نواقص پدیده‌ها و روابط حاکم در حیات اجتماعی، در صدد تذکر، اصلاح و رفع آنها بر می‌آید. عده‌ای طنز را نوعی "انتقاد اجتماعی در جامه رمز و کنایه، با رعایت و حفظ جنبه‌های هنری و زیباشناسی" می‌دانند. شفیعی کدکنی در تعریفی کوتاه در خصوص طنز گوید: طنز عبارتست از تصویر هنری اجتماع نقیضین. در این روش نویسنده معایب و مفاصل جامعه و حقایق تلخ اجتماعی را به صورت اغراق آمیز؛ یعنی زشت‌تر و بدترکیب‌تر از آنچه هست نمایش می‌دهد تا صفات و مشخصات آنها روشن‌تر و نمایان‌تر جلوه کند و تضاد عمیق موجود باندیشه یک زندگی عالی و مأمول آشکار گردد. بدین ترتیب قلم طنز نویس... می‌کوشد تا خطاکاران را به خطای خود متوجه سازد و معایب و

نواقصی را که در حیات اجتماعی پدید آمده است، برطرف کند و هدف آن اصلاح و تزکیه است، نه ذم و قدح و مردم آزاریه بیان دیگر؛ طنز بدخواه انسان نیست و بانسان نمی‌جنگد، با صفات غیرانسانی او با خصوصیات ضدانسانی او نمی‌جنگد. طنز از عشق و دوستی و دل‌بستگی سرچشمه می‌گیرد و بغض و بیزاری و کینه او نیز به دلیل همین دوستی و دل‌بستگی اوست (نکوبخت، ۱۳۸۰: ۸۹)

طنز در لغت به معنای سرزنش، تمسخر، طعنه، سخن رمزآلود " (فرهنگ عمید ذیل: طنز) ، " افسوس کردن و عیب جویی " (فرهنگ دهخدا) آمده است. از نظر ادبی، طنز شیوه بیان مطالب انتقادی و نفرت‌بار همراه با خنده و شوخی است. برخی طنز را با علم بدیع در ارتباط می‌دانند زیرا نویسنده طنز با بهره‌گیری از فن بلاغت و سخنوری، فضایی را به تصویر می‌کشد که نه فقط خواننده را سرگرم می‌کند بلکه الگویی از اعمال و سکنات اشخاص جامعه نیز به دست می‌دهد... طنز در لغت به معنای مسخره کردن و طعنه زدن و در اصلاح، شعر یا نثری است که در آن حماقت یا ضعف‌های اخلاقی، فساد اجتماعی یا اشتباهات بشری با شیوه‌ای تمسخرآمیز و اغلب غیرمستقیم (یا به تعبیری خودگویانه) بازگو می‌شود. (حری، ۱۳۸۷: نقل به مضمون)

« استعمال کلمه " طنز " برای انتقادی که به صورت خنده آور و مضحک بیان شود و در فارسی معاصر سابقه طولانی ندارد... ولی استعمال وسیعی به معنی فعلی کلمه و یا به معنی satire اروپایی نداشته است. کلمه satire که از یونانی می‌آید، در اکثر زبان‌های اروپایی معنای واحدی دارد به طنز آمیز و انتقادی اطلاق می‌شود. در فارسی، عربی، ترکی کلمه واحدی که دقیقا این معنی را در هر سه زبان برساند وجود نداشته است. سابقا در فارسی هجو به کار برده می‌شد که بیشتر جنبه انتقاد مستقیم و شخصی دارد و جنبه غیر مستقیم و طنز آمیز بودن " ساتیر " را دارا نیست و اغلب آموزنده و اجتماعی هم نیست. هجو، ضد مدح است و اصولا صراحت لفظی که در آن است نمی‌تواند نظیر لحن طنز آمیز " ساتیر " باشد. در فارسی " هزل " را نیز به کار برده‌اند که ضد " جد " است و بیشتر جنبه مزاح و مطایبه دارد. » (جوادی، ۱۳۸۴: ۱۱) «... طنز فارسی را به لفظ satire فرنگی ترجمه [می‌کنند]. نویسندگان ما هم غالبا این دو لفظ را مرادف هم به کار می‌برند... ولی تصور خواننده فارسی زبان امروز از طنز... با مشخصات طنز غربی نمی‌خواند. ما غالبا بین لطیفه و فکاهه یا به قول فرنگی ها جوک... که هدفی جز خنداندن ندارد، با طنز که خنده در آن وسیله است نه هدف، فرقی نمی‌گذاریم.» (پزشکراد، ۱۳۸۴: ۳۸)

به عبارت دیگر « طنز به تمام آثاری اطلاق می‌شود که در آنها با استفاده از انواع فنون رایج ادبی، معایب و مفاصد اجتماعی به طعن و تمسخر گرفته شود. در طنز... خنده وسیله‌ای برای بیان مطالب است. در واقع طنز، طرز یا گونه‌ای از ادبیات است که مزاح، شوخی و شوخ طبعی را به هم درمی‌آمیزد و به طرز نکوهش آمیز، رفتارهای زشت و معایب انسان‌ها و جوامع را بر ملا سازد.» (شیری، ۱۳۷۶: ۴۲)

معنای واژه طنز نیز مانند بسیاری از واژگان دیگر در ادبیات فارسی از ابتدا تاکنون دچار تحولاتی شده است، به طوری که «استعمال... کلمه [طنز] در معنی اصطلاحی امروزی، کاربردی جدید است و مربوط به فارسی معاصر اما پیش از آن معنای تحت‌اللفظی خود را داشت. از دوره مشروطیت که به علت توجه شعرا و نویسندگان به اجتماع و اصلاح و ارشاد مردم، طنزنویسی به عنوان یکی از اسباب این کار رایج شد، کم‌کم وجود کلمه‌ای که این نوع جدید از آثار را توصیف کند، احساس می‌شد.» (کرد چگینی، ۱۳۸۸: ۱۹۰)

«شروع رایج شدن لفظ طنز به معنای امروزی مربوط به دهه بیست است که بعضی بزرگان ادب به خاطر تفکیک و تمیز طنز از هجویه‌های رکیک و زشت رایج در مطبوعات، اصطلاح طنز را باب کردند. عباس اقبال آشتیانی، در مجله ارمغان و دکتر پرویز خانلری، در مجله سخن، به خصوص به مناسبت معرفی عید زاکانی، لفظ طنز را کم‌کم و به همراه الفاظ کمکی دیگر برای رساندن معنی - مثل "طنز و کنایه" یا "طنز و مطایبه" - برابر ساتیر غربی، معمول کردند و به مرور از طرف جامعه پذیرفته شد.» (پزشکزاده، ۱۳۸۱: ۳۹) در زمینه ادبیات ملتزم اجتماعی، طنز می‌تواند یکی از بهترین گونه‌های بیانی باشد، زیرا طنز را نوعی اعتراض و اعتلا و پالایش خشم و نفرت دانسته‌اند، چنان که یان جاک می‌گوید: طنز یعنی از غریزه به اعتراض رسیدن؛ اعتراضی که به صورت هنر درآمده است. (جی.ای. کادن، ۳۹۵: ۱۳۸۰) این اعتراض بر فساد و بی‌رسمی‌های فرد یا جامعه است که انتقاد جدی از آنها به هر دلیلی امکان ندارد. از این رو اغلب آثار طنزآمیز در وضعیت خفقان و فشارهای سیاسی و اجتماعی شکل می‌گیرد و نشان دهنده اعتراض بر اوضاع حاکم بر جامعه است. (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۱۸۱)

۲-۲ تفاوت طنز، هزل و هجو

در تعریف‌های ارائه شده از طنز و هجو و هزل مشترکات و تفاوت‌های زیادی وجود دارد که موجب تفکیک و طبقه‌بندی این مقوله‌ها شده است. با وجود این شاید بتوان گفت هنوز در برخی از ویژگی‌های این مفاهیم از نظر شباهت و تفاوت اختلاف نظرهایی به چشم می‌خورد که در ارائه تعریف‌های ثابت و قطعی در مورد آنها دشواری‌هایی را به وجود آورده است.

به طور کلی «... هجو را ضد مدح و هزل را ضد هجو قرار دادیم... هجو از خشم و عناد و کینه‌توزی سرچشمه می‌گیرد و هزل نیز به طریقی نازل افراد را به سخریه می‌گیرد. اما نه در هجو و نه در هزل آرمانی بلند دیده نمی‌شود. لیکن در طنز که می‌توان آن را شکل متعالی هجو و هزل در شمار آورد آرمانی ارزشمند جستجو می‌شود. هجو جنبه‌ای فردی دارد و طنز جنبه‌ای اجتماعی. هجو از عمق چندانی برخوردار نیست؛ فحش است و تمسخر و طعن مخالفان. حال آنکه طنز با غرض‌ورزی شخصی میانه‌ای ندارد. ویژگی اساسی طنز، استفاده اجتماعی است. (حری، ۱۳۸۷: نقل به مضمون)

هجو، نکوهیدن، شمردن معایب کسی، دشنام دادن کسی را به شعر (فرهنگ دهخدا: ذیل هجو) هجو و هجاء و تهجاء، هر سه مصدر از هجا یهجو است به معنی عیب کردن و شتم کردن (لسان العرب) «و در اصطلاح ادبیات عبارتست از نوعی شعر غنایی که بر پایه نقد گزنده و دردانگیز است و گاهی به سرحد دشنام‌گویی یا ریشخند مسخره آمیز و دردآور نیز می‌انجامد و آن مقابل مدح است.» (حلبی، ۱۳۶۵: ۳۳) «... بد بینی و خوش بینی شاعر هجو‌گرای و دوام ندارد. ممکن است شاعر یا نویسنده‌ای یک هجو مانند خوش‌بینان بنویسد و اندکی پس از آن هجو دیگری بنویسد که آگنده از تندترین بدبینی باشد... زهر انتقاد و گفتار هجو آمیز در اشعار حافظ و عبید نیز هست، اما چون رند هستند و ثبات هیچ چیز را مسلم نیافته اند رندانه از آن سرخورده تن به مستی و خوشباشی و شوخ طبعی می‌سپارند و به قول خود به " ریش دنیا " می‌خندند.» (همان: ۴۲) «... منتقدان ادب، ملاک قدرت و شدت هجو را در " صدق " و " عفت " آن می‌دانند و نقد و بررسی آثار هجوی، هر شاعر را در جایگاه خویش وصف می‌کنند، چنانچه بعضی را فحاش و بدزبان و ناسزاگو لقب می‌دهند. به‌طور کلی آنچه از اظهار نظر منتقدان و صاحب‌نظران ادبی در خصوص هجو می‌توان استنباط کرد این است که هجو عبارت است از: توصیف ناسزا و مذمت و بدگویی از مطلوب و محبوب کسی، برشمردن و بزرگنمایی عیب‌های پیدا و پنهان کسی، نفی و تحقیر کسی.» (نکوبخت، ۱۳۸۰: ۳۰)

هزل، به فتح اول و سکون دوم در لغت، به مزاح کردن، بیهوده گفتن، لاغ و سخن بیهوده معنی شده است (غیاث) «و آن را مقابل جد دانسته‌اند... اما شاعران و نویسندگان ایرانی، آن را به چند چیز معنی دیگر نیز که با معنی لغوی آن اندک فرقی دارد به کار برده‌اند و اینک چند معنی را... یاد می‌کنیم: الف) شوخی و ظرافت کردن با دیگران... ب) دروغ و کذب و باطل و خلاف واقع... ج) سخنان زشت و شرم‌آور که به قصد شوخی و لاغ ولی باطنا به قصد نتیجه اخلاقی یا اجتماعی یا تنبّه گفته شود... د) هزل، مقابل پند و حکمت است... اما در اصطلاح اصولیان "هزل آن است که از لفظ معنای آن اراده نشود: نه معنی حقیقی و نه مجازی و جد آن است که به لفظ، یکی از این دو معنی اراده شود و آن ضد جد است.» (حلبی، ۱۳۶۵: ۱۷)

موسوی گرمارودی هم در مورد هزل معتقد است: «هزل (facetious) آن است که به لفظ نه معنای حقیقی و نه معنای مجازی آن را اراده کنند و آن ضد جد است و در فن بدیع از محسنات معنوی است و آن در حقیقت جدی است که مطلب در آن، بر سیل شوخی و مطایبه ذکر شود و این البته ظاهر امر می‌باشد و غرض از آن، امر درستی باشد.» (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۸: ۲۶) «در طنز از humor یعنی هر آنچه انسان را به خنده اندازد، برای نشان دادن خوبی‌ها و بدی‌های افراد و جامعه بهره می‌برند. حال آنکه در هجو نه از humor که از humor noir یعنی زهرخندی برای برشمردن معایب دیگران، سرزنش، نکوهش و مذمت افراد به بدترین صورت مکن استفاده می‌شود. شاعر هجاگو، هجو را به منزله سلاحی برنده به کار می‌برد تا بدان وسیله به شخص مورد نظر خود حمله کند، در واقع هجو جلوه‌ای از طنز سیاه و تلخ است که بر لب به جای لبخند، زهر خند می‌نشانند. هزل اما یا humor و wit یعنی با شوخ طبعی، خوش طبعی و مزاح شمول معنایی پیدا می‌کند. در واقع هزل "از ظرافت طنز و قدرت تاثیر هجو خالی نیست، هدف مشخصی را دنبال نمی‌کند و غرض از ادای آن تنها تفریحی ساده و سطحی است که افراد معدودی از آن لذت می‌برند" (میرصادقی، ۱۸۱-۱۸۰) حال آنکه هجو جنبه شخصی دارد، از حس کینه و بدخواهی برمی‌خیزد و غیر عادلانه است.» (حری، ۱۳۸۷: ۶۰) «هزل در فرهنگ‌های مختلف دارای معانی مختلفی است مثلاً در فرهنگ دهخدا هزل اینگونه معنا شده است: سخن بیهوده، لاغ، در اصطلاح اهل ادب شعری است که در آن کسی را ذم گویند و بدو نسبت‌های ناروا دهند یا سخنی است که در آن مضامین خلاف اخلاق و ادب آید. در این تعریف به نظر می‌رسد آخرین تعریف هزل بیشتر به آن نزدیک باشد، چه شعری که در ذم کسی می‌آید و در آن نسبت‌های ناروا به فردی می‌دهند، بیشتر به تعریف هجو نزدیک است.» (حلبی، ۱۳۶۵: ۱۷) «یکی از ویژگی‌های ادبیات ایران خصوصاً و ادبیات کشورهای ستم کشیده و استبداد دیده عموماً، رواج طنز

و هجو و هزل و شوخی و مسخرگی در میان آنهاست، زیرا مردمی که نمی‌توانند صریحا انتقاد بکنند، از راه سخنان دو پهلو، غیرصریح و خنده‌ناک و کلامی گزنده، انتقادهای خود را اظهار می‌کنند.» (حلبی، ۱۳۶۵: ۱۴)

با توجه به این مطلب، در این بخش سعی می‌کنیم تعریف نسبتا مشخصی از واژه‌های طنز، هجو و هزل ارائه داده و به بیان تفاوت‌های آنها در حد توان پردازیم.

هزل و هجو دارای تفاوت‌هایی هستند از آن جمله اینکه « هرگاه هدف، منکوب کردن افرادی باشد که به نوعی خشم را برانگیخته‌اند، آن را هجو می‌نامند یعنی اگر این سخن به نحوی بیان شود که در جهت تحقیر یا تهدید آن فرد باشد، آن را هجو یا هجا گویند... هزل در لغت به معنای " بیهودگی و لاغر گردانیدن کسی " آمده- است. نیز آن را به معنای " لاغ و سخن بیهوده که خلاف جد است "، گرفته‌اند» (حری، ۱۳۸۷: ۶۰)

ابوالفضل حری در کتاب خود «درباره طنز» از یک نوع دیگر با عنوان "طنز پرخاشگر" یاد می‌کند که گویی گونه‌ای است بین طنز و هجو و هزل و یا مخلوطی از اینها! حری می‌نویسد:.... طنز پرخاشگر satire نوشته‌ای است منظوم یا منثور که معایب را هدف قرار می‌دهد تا افراد بشر را مسخره و هجو... کند. طنز در یک کلام، کاربرد مضحکه، کنایه (Irony)، طعنه (sarcasm)، بذله، فکاهی، بدبینی و هتاکی در کلام و نوشتار است به منظور برملا کردن و سرزنش معایب و رذایل انسانی. در واقع طنز پرخاشگر کاربرد خاص شوخ طبعی (humor) در راستای اهداف اخلاقی است. طنز پرخاشگر از ابراز خنده استفاده می‌کند، نه فقط به این خاطر که معایب انسانی را فریادمان آورد بلکه بدین سبب که در برابر رذایل، بر فضایل و مناقب پسندیده بشری نیز تأکید کند... پس طنز پرخاشگر از سویی بر معایب افراد می‌خندد [و] از دیگر سو، دیگران را تشویق می‌کند تا آن معایب را ترک کنند... بنابراین در طنز پرخاشگر به آنچه درست و صحیح است نیاز می‌شود، چرا که هدف طنز پرخاشگر که برملا کردن معایب است، فقط با ارائه محاسن پسندیده برآورده می‌شود... طنز پرخاشگر، به احساس مشترک معیارهای جامعه بستگی دارد به طوری که آنچه مخالف با این معیارها باشد، شایسته است که در تیررس تیر طنز پرخاشگر قرار بگیرد. طنز پرخاشگر بستگی به زمینه‌ای دارد که در آن مورد استفاده قرار می‌گیرد یعنی مخاطب با توجه به بافت کلام... و در حال و لحظه به منظور طنز پی می‌برد (طنزهایی که در مورد افراد حقیقی گفته می‌شوند)؛ با اینکه معنای طنز بسیار همگانی است و طیف وسیعی از ویژگی‌های ابنای بشر را شامل می‌شود.

۲-۳ علل وانگیزه های طنز و هجو:

به دلیل وانگیزه‌های مختلفی نویسندگان و شاعران دست به طنزپردازی و هجوگویی می‌زنند که این انگیزه‌ها و علل در اکثر مواقع نمی‌تواند ناشی از بدزبانی و یا بی‌دینی آن‌ها بشود، چه ما تقریباً در آثار همه ادیبان گذشته و معاصر می‌توانیم با نمونه‌هایی از طنز و هجو مواجه شویم.

الف) یکی از دلایل عمده و عمومی این امر سرگرم‌کنندگی و خوشایندی این نوع ادبی هم برای خود نویسنده و شاعری که آن را ایجاد می‌کند و هم برای مخاطب وی می‌باشد. البته شاید این انگیزه بیشتر مربوط به طنزگویی باشد و هجو را شامل نشود، زیرا که او به دلیل زبان تندتری که دارد کمتر خوشایند دیگران قرار می‌گیرد. تأثیرگذار بودن طنز در هجو و اینکه این نوع مورد پذیرش مخاطب قرار بگیرد بستگی به شرایطی دارد، به طوری که «برای حمله به یک چیز یا شخص، باید نویسنده و خواننده هر دو در نامطلوب بودن آن چیز یا شخص همداستان باشند و [اتفاقاً] همین دلالت بر این نکته می‌کند که چرا محتوای مقدار زیادی از هجوها و طنزهایی که مبتنی بر تعصب دینی و غرور بی‌دلیل ملی، تفاخر و خودفروشی، یا هیجان و رنجش شخصی طنزکننده از طنز شده است، دیر نمی‌پاید و کهنه و منسوخ می‌گردد.» (حلبی، ۱۳۶۴: ۱۲)

ب) از دلایل و انگیزه‌های دیگر طنزگویی شرایط حاکم بر جامعه و نابسامانی‌ها و ظلم‌ها و... است که فریاد طنزگو و هجو سرا را بلند می‌کند و به عنوان آخرین و بهترین سلاح طنز و هجو را به کار می‌گیرد. در واقع طنز پردازی و هجوگویی «وضع اخلاقی افراد یا اجتماع موجود او را نمی‌تواند راضی بسازد. او به دنبال وضعی بهتر می‌گردد و چون آن را در بنیادهای موجود نمی‌یابد، یا ارزش‌های مورد نظر خود را مورد حمله ارزش‌های فاسد یا تباه سازنده می‌بیند از دفاع آنها دست برنمی‌دارد و با ابزار مسخره و طنز، وضع موجود را انتقاد می‌کند» (حلبی، ۱۳۶۴: ۵۳) «مسلمانان طنز زاینده دوران فترت است و این تجلی ذوق بشری محصول فشارهای اجتماعی است. به حتم مردمی که نتوانسته‌اند حقایق را آزادانه بیان کنند سعی کرده‌اند تا در قالب طنز و کنایه و شوخی به نقد وضع رایج زمان بپردازند و روح خود را آرامش بخشند.» (کاسب، بی تا: ۴۸)

ج) یکی دیگر از دلایل طنز پردازی که «با روح آرمان‌گرایی آدمی زاده ارتباط دارد، عبارت از کمال‌جویی در هجاگویی است. این نکته ظاهراً تضادآمیز به نظر می‌رسد، زیرا هجوگویی واقعیت‌ها را مورد انتقاد قرار می‌دهد و چنین می‌نماید که با امور آرمانی سر و کار ندارد ولی در عمل می‌توان دریافت که لعن و دشنام و طعن و استهزاء او برای چیست.» (حلبی، ۱۳۶۴: ۵۳)

«این امری حتمی است که طنزنویسان و هزاران و گاه هجاگویان از مردم روزگار خود بهتر می‌اندیشیده‌اند و بر محیط زندگی خویش تسلط بیشتری داشته‌اند. پیشوایان مذهبی، امرا و حکام و بالاخره مردمی را می‌دیده‌اند که فضای اندیشه‌شان تهی بوده است. اینان از زندگی کردن در آن‌چنان محیطی عمیقاً می‌رنجیده و بر پوچی آن مردم می‌خندیده‌اند و این خنده نه تنها انعکاسی است از دریافت آنان از محیط خود، بلکه برای خود آنان نیز تشریف‌بخش بوده است.» (کاسب، بی تا: ۴۹) و خلاصه اینکه یکی از انگیزه‌ها و اهدافی که هجوسرایان و طنزپردازان دنبال می‌کنند، اصلاح جامعه و رسوا کردن جنایات حماقت‌هاست و اینکه تباهکاران را به خود آورده و به خواب رفتگان را بیدار کنند.

د) یکی دیگر از انگیزه‌ها و دلایل در این زمینه را می‌توان انگیزه زیباشناسانه نامید. «هر نویسنده که می‌خواهد [هجا] را به کار ببرد باید متوجه مشکلات آن نیز باشد. وی اول از همه نیازمند واژه‌های انبوهی است، پس از آن محتاج به یک شوخ طبعی آمیخته با نظر گاهی جدی است و نیز محتاج تخیلی چنان قوی است که بتواند همواره چند گام از خوانندگان خود جلوتر باشد و سرانجام شوقی فراوان و ذوقی سرشار که او را قادر سازد سخنانی شگفت بگوید بدون آنکه خواننده از شنیدن آنها احساس بی‌اعتباری نماید. او باید آمیزه دقیقی از عشق و نفرت به خواننده خود القاء کند که نمودار واقعی هنر او باشد یعنی: هجا» (حلبی، ۱۳۶۴: ۵۱) شاید بتوان نتیجه گرفت که این انگیزه است که باعث می‌شود از همه اقشار و سطوح جامعه از عوام گرفته تا فرهیختگان به سوی طنز کشیده شده و از شنیدن و خواندن آن لذت ببرند و حتی اگر دلایل دیگر طنزپرداز برای آنان قابل درک و دریافت نباشد بخاطر زیبا بودن و هنرمندانه بودن آن، آنها را بپسندند.

۲-۴ شیوه‌ها و شگردهای طنزپردازی

«اگر مهمترین جنبه طنز و هجو و شوخ طبعی موضوع آن است خواه سیاسی، خواه دینی و خواه روابط جنسی، منش‌های بد، بیهودگی فردی، بی‌مزگی ادبی، آنچه این نوع ویژه ادبیات را از انواع دیگر جدا می‌سازد، طرز برخورد آن با موضوع است.» (همان: ۵۸)